

نجات عموی خطاکار از چوبه دار

فصل ۱۲

گروه حوادث/ مرد جوان که هنگام رانندگی با خودروی نیسان، برادرزاده ۵ ساله‌اش را زیر گرفته بود در حالی که در یک قدمی چوبه دار قرار داشت با رضایت خانواده برادرش از قصاص نجات یافت. به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۱ و همزمان با اعلام خبر ناپدید شدن پسر ۵ ساله‌ای به‌نام نوید در محمدشهر کرج از سوی پلیس آغاز شد.

در حالی که تحقیقات ادامه داشت سه روز بعد جسد پسر خردسال در یکی از کانال های آب محمد شهر کرج پیدا و به دستور بازپرس کشیک قتل جسد پسرک به پزشکی قانونی منتقل شد و در حالی که معاینه پزشکی قانونی درحال انجام بود، عموی پسرخردسال به قتل وی اعتراف کرد و گفت: روز حادثه من و پدر نوید در حال درست کردن خودروی نیسان شان مقابل در خانه بودیم وقتی کار تمام شد برادرم به خانه رفت من هم خودرو را روشن کردم تا حرکت کنم اما وقتی دنده عقب رفتم متوجه شدم سپر خودرو به مانعی اصابت کرد بلافاصله پیاده شدم اما با دیدن بدن خونین و بی‌جان برادرزاده‌ام شوکه شدم من ناخواسته نوید را زیر گرفته بودم، آنقدر وحشت کرده بودم که نمی‌دانستم باید چه کار کنم ناخودآگاه بچه را بغل کردم و داخل خودرو گذاشتم و بعد هم او را داخل کانال آب انداختم.

پس از اعترافات متهم، کارآگاهان با خواندن گزارش پزشکی قانونی دریافتند پسر کوچولو بعد از تصادف زنده بوده اما به علت خفگی در آب جان باخته است.

ناصر که در زمان قتل ۳۲ سال داشت پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود خیلی زود در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد وپانوجه به تقاضای اولیه دم و اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

این متهم که پس از تأیید حکم قصاص از سوی دیوان عالی کشور در انتظار چوبه دار بود سرانجام با تلاش واحد صلح و سازش زندان و جلب رضایت خانواده

مقتول مرد جوان از مجازات قصاص رهایی یافت و بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

■ گفت‌وگو با متهم

چرا برادرزاده‌ات را به کانال آب انداختی؟

وقتی از خودرو پیاده شدم و بدن بی‌جان نوید را دیدم فکر کردم مرده است چون خودرو با سرعت به او خورده بود خیلی ترسیده بودم فکرم کار نمی‌کرد می‌ترسیدم برادرم بیاید و بچه را ببیند و مرا تحویل پلیس دهد می‌خواستم جسد را مخفی کنم تا فکر نکند بچه گم شده است. اما بعد از این ماجرا آنقدر عذاب وجدان داشتم که نتوانستم تحمل کنم و وقتی فهمیدم بچه زنده بوده و به خاطر حماقت من در آب خفه شده عذاب وجدانم بیشتر شد. در تمام این سال‌ها خودم را سرزنش می‌کنم که چرا او را به بیمارستان نرساندم.

وقتی فهمیدی برادر و زن برادرت رضایت داده‌اند چه حسی داشتی؟

باورم نمی‌شد مرا بخشیده‌اند. من فرزند آنها را کشتنم اما آنها مرا بخشیدند و تا آخر عمر مدیون خودشان کردند. من اگر زندگی‌ام را هم بدهم نمی‌توانم این محبت‌شان را جبران کنم.

قتل وکیل دادگستری درمهاباد

گروه حوادث/ همزمان با کشف جسد یک وکیل دادگستری در جاده برهان مهاباد تحقیقات قضایی برای شناسایی عاملان قتل وی آغاز شد.

به‌گزارش روابط عمومی کانون وکلای استان آذربایجان غربی، عصر دوشنبه یک وکیل دادگستری به‌نام کاوه شوقی پس از درگیری با ۳ نفر در جاده برهان (حوالی روستای کانی کوتر) با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید. خودروی این وکیل نیز در چند متری محل جنایت کشف شده است.

سعید عباسی، رئیس کانون وکلای آذربایجان غربی نیز با تأیید این خبر عنوان کرد: به‌دنبال این جنایت از دادستان‌های شهرستان‌های مهاباد و بوکان درخواست شده تا به این موضوع رسیدگی کرده و عاملین این قتل فحیح را به مجازات قانونی برساند.

وی افزود: این روزها بنابه دلایلی شرایطی در جامعه ایجاد و ذهنیت منفی علیه وکلا در برخی موارد ایجاد شده است. از آنجایی که وکلا نه وابسته به دادگستری هستند و نه بطور کامل مستقل اند، باید اقدامات حمایتی از سوی تشکیلات قضایی برای آنها صورت بگیرد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: کانون یک تشکیلات صنفی است و ما همیشه این موضوع را پیگیری کردیم بنابراین باید از نظر حاکمیتی یک دید خاصی نسبت به وکلا ایجاد شود تا چنین مشکلاتی کمتر به وجود آید.

سقوط مرموز زن و مرد از طبقه چهارم

گروه حوادث/ مرد صاحب خانه و زن میهمان، در فاصله ۵ دقیقه از یکدیگر به‌طرز مرموزی از طبقه چهارم ساختمانی به پایین افتادند و جان باختند.

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۲۲:۵۰ دوشنبه ۵ خرداد، به‌دنبال سقوط مرگبار زن و مردی جوان در غرب تهران، تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز شد.

مرد جوان از طبقه چهارم ساختمان به فاصله ۵ دقیقه از یکدیگر به پایین سقوط کرده‌اند. زمانی که مأموران راهی آپارتمان طبقه چهارم شدند، در قفل بود و آنها که با هماهنگی‌های قضایی قصد ورود به خانه را داشتند؛ ناگهان در آپارتمان باز و زن صاحب خانه در چارچوب در ظاهر شد.

وی در تحقیقات عنوان کرد: امشب میهمان داشتیم و چند نفر از دوستانمان به خانه ما آمده بودند. در میان میهمانان زن جوانی هم بود که او را قبلاً ندیده بودم نمی‌دانم چه شد که شوهرم با آن زن به پایین افتادند. نامزد زن جوان و سایر میهمان‌ها نیز به محض اینکه این اتفاق افتاد، از ترس خانه را ترک کردند و من هم در ورودی را قفل کردم. اظهارات متناقض زن جوان و این ادعا که اطلاعاتی از زن جوان و نامزدش ندارد، باعث شد تا بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران دستور بازداشت او را صادر کرد. همچنین بازپرس جنایی دستور شناسایی هویت زن جوان و تحقیق از میهمان‌ها را صادر کرد.

- چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۹**
- سال بیست و ششم**
- شماره ۷۳۵۶**

تراژدی قتل «رومینا» دختر ۱۴ ساله‌ای که از خانه فرار کرد

قربانی «خانه پدری»

مرد جوان که هنگام رانندگی با خودروی نیسان، برادرزاده ۵ ساله‌اش را زیر گرفته بود در حالی که در یک قدمی چوبه دار قرار داشت با رضایت خانواده برادرش از قصاص نجات یافت. به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۱ و همزمان با اعلام خبر ناپدید شدن پسر ۵ ساله‌ای به‌نام نوید در محمدشهر کرج از سوی پلیس آغاز شد.

ناصر که در زمان قتل ۳۲ سال داشت پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود خیلی زود در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد وپانوجه به تقاضای اولیه دم و اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

این متهم که پس از تأیید حکم قصاص از سوی دیوان عالی کشور در انتظار چوبه دار بود سرانجام با تلاش واحد صلح و سازش زندان و جلب رضایت خانواده

مقتول مرد جوان از مجازات قصاص رهایی یافت و بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

■ گفت‌وگو با متهم

چرا برادرزاده‌ات را به کانال آب انداختی؟

وقتی از خودرو پیاده شدم و بدن بی‌جان نوید را دیدم فکر کردم مرده است چون خودرو با سرعت به او خورده بود خیلی ترسیده بودم فکرم کار نمی‌کرد می‌ترسیدم برادرم بیاید و بچه را ببیند و مرا تحویل پلیس دهد می‌خواستم جسد را مخفی کنم تا فکر نکند بچه گم شده است. اما بعد از این ماجرا آنقدر عذاب وجدان داشتم که نتوانستم تحمل کنم و وقتی فهمیدم بچه زنده بوده و به خاطر حماقت من در آب خفه شده عذاب وجدانم بیشتر شد. در تمام این سال‌ها خودم را سرزنش می‌کنم که چرا او را به بیمارستان نرساندم.

وقتی فهمیدی برادر و زن برادرت رضایت داده‌اند چه حسی داشتی؟ باورم نمی‌شد مرا بخشیده‌اند. من فرزند آنها را کشتنم اما آنها مرا بخشیدند و تا آخر عمر مدیون خودشان کردند. من اگر زندگی‌ام را هم بدهم نمی‌توانم این محبت‌شان را جبران کنم.

ناصر که در زمان قتل ۳۲ سال داشت پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود خیلی زود در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد وپانوجه به تقاضای اولیه دم و اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

این متهم که پس از تأیید حکم قصاص از سوی دیوان عالی کشور در انتظار چوبه دار بود سرانجام با تلاش واحد صلح و سازش زندان و جلب رضایت خانواده

مقتول مرد جوان از مجازات قصاص رهایی یافت و بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

ناصر که در زمان قتل ۳۲ سال داشت پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود خیلی زود در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد وپانوجه به تقاضای اولیه دم و اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

این متهم که پس از تأیید حکم قصاص از سوی دیوان عالی کشور در انتظار چوبه دار بود سرانجام با تلاش واحد صلح و سازش زندان و جلب رضایت خانواده

مقتول مرد جوان از مجازات قصاص رهایی یافت و بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

■ گفت‌وگو با متهم

وقتی از خودرو پیاده شدم و بدن بی‌جان نوید را دیدم فکر کردم مرده است چون خودرو با سرعت به او خورده بود خیلی ترسیده بودم فکرم کار نمی‌کرد می‌ترسیدم برادرم بیاید و بچه را ببیند و مرا تحویل پلیس دهد می‌خواستم جسد را مخفی کنم تا فکر نکند بچه گم شده است. اما بعد از این ماجرا آنقدر عذاب وجدان داشتم که نتوانستم تحمل کنم و وقتی فهمیدم بچه زنده بوده و به خاطر حماقت من در آب خفه شده عذاب وجدانم بیشتر شد. در تمام این سال‌ها خودم را سرزنش می‌کنم که چرا او را به بیمارستان نرساندم.

وقتی فهمیدی برادر و زن برادرت رضایت داده‌اند چه حسی داشتی؟ باورم نمی‌شد مرا بخشیده‌اند. من فرزند آنها را کشتنم اما آنها مرا بخشیدند و تا آخر عمر مدیون خودشان کردند. من اگر زندگی‌ام را هم بدهم نمی‌توانم این محبت‌شان را جبران کنم.

ناصر که در زمان قتل ۳۲ سال داشت پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود خیلی زود در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد وپانوجه به تقاضای اولیه دم و اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

این متهم که پس از تأیید حکم قصاص از سوی دیوان عالی کشور در انتظار چوبه دار بود سرانجام با تلاش واحد صلح و سازش زندان و جلب رضایت خانواده

مقتول مرد جوان از مجازات قصاص رهایی یافت و بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

■ گفت‌وگو با متهم

وقتی از خودرو پیاده شدم و بدن بی‌جان نوید را دیدم فکر کردم مرده است چون خودرو با سرعت به او خورده بود خیلی ترسیده بودم فکرم کار نمی‌کرد می‌ترسیدم برادرم بیاید و بچه را ببیند و مرا تحویل پلیس دهد می‌خواستم جسد را مخفی کنم تا فکر نکند بچه گم شده است. اما بعد از این ماجرا آنقدر عذاب وجدان داشتم که نتوانستم تحمل کنم و وقتی فهمیدم بچه زنده بوده و به خاطر حماقت من در آب خفه شده عذاب وجدانم بیشتر شد. در تمام این سال‌ها خودم را سرزنش می‌کنم که چرا او را به بیمارستان نرساندم.

وقتی فهمیدی برادر و زن برادرت رضایت داده‌اند چه حسی داشتی؟ باورم نمی‌شد مرا بخشیده‌اند. من فرزند آنها را کشتنم اما آنها مرا بخشیدند و تا آخر عمر مدیون خودشان کردند. من اگر زندگی‌ام را هم بدهم نمی‌توانم این محبت‌شان را جبران کنم.

ناصر که در زمان قتل ۳۲ سال داشت پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود خیلی زود در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد وپانوجه به تقاضای اولیه دم و اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

این متهم که پس از تأیید حکم قصاص از سوی دیوان عالی کشور در انتظار چوبه دار بود سرانجام با تلاش واحد صلح و سازش زندان و جلب رضایت خانواده

مقتول مرد جوان از مجازات قصاص رهایی یافت و بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

ناصر که در زمان قتل ۳۲ سال داشت پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود خیلی زود در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد وپانوجه به تقاضای اولیه دم و اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شد.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

و دیه وجود دارد که بازهم تصمیم چگونگی آن با قاضی پرونده است. دیه هم ابتدا به مادر، سپس به خواهر و برادر تعلق می‌گیرد.»

سرهنگ اکرم حسین‌زاده، روانشناس نیز در این باره به «ایران» گفت: تفکرات اشتباه که گاه ازسوی فرزندان سر می‌زند، چالش‌های زیادی را در خانواده ایجاد می‌کند این تفکرها اشتباه هستند اما اشتباه بیشتر آن است که بخواهیم بدون توجیه درست ومنطقی و با اجبار این تفکر را از ذهن آنها جدا سازیم. دراین پرونده پروچوانی در سن ۱۴ سالگی دلباخته مرد رؤیاهای خود شده است او درست در سنی که نیازبه محبت داشته است این نیاز را از فرد دیگری که خواستگارش بوده است گرفته درحالی که پدر مخالف این ازدواج است هرچند پدر منطقی تصمیم گرفته است اما با چوب خط کش و زور که نمی‌توان کسی را مجبور به اطاعت کرد.

این پدر اول باید نقش پدری خود را درست ایفا می‌کرد قطعاً این دختر از ابتدا رابطه عاطفی خوبی با پدر نداشته است. در بسیاری از پرونده‌هایی که ما شاهد فرار دختر از خانه هستیم اکثراً به‌خاطر فقر محبت وعاطفه دست به چنین اعمالی زده‌اند هیچ وقت کسی از جایی که احساس آرامش کند فرار نمی‌کند حتی اگر فرد بیگانه‌ای در صدد فریب او باشد.

ازسوی دیگر پدر آنقدر اسپر طغیان وخشونت شده که اختیار از کف داده است. درست است نوجوان اشتباه تصمیم گرفته است اما چرا به جای خشونت وارد شده است او را راهنمایی کند از راه اجبار و استفاده از راهنمایی‌های مشاورانی که در این حوزه کار می‌کنند دخترش را با تصمیم درست روبه‌رو کند که در نهایت او با انتخاب درست خودش این تصمیم را نگیرد.

تصریح کرد: به‌طور قطع حکم قصاص برای پدر این دختر نوجوان صادر نخواهد شد و تنها از جنبه عمومی جرم برای متهم پرونده حبس یا در مواردی تبعید در نظر گرفته می‌شود. چند سال پیش هم پرونده‌ای مشابه در خوی داشتیم که قاتل پدر خانواده بود و به حبس محکوم شد. به‌طور کلی در پرونده‌های اینچنینی پدر محکوم به قصاص نمی‌شود اما ممکن است به ۳ تا ۱۰ سال حبس که بستگی به نظر قاضی دارد و پرداخت دیه محکوم شود. این وکیل دادگستری در جواب این پرسش که آیا دفاعیات متهم مبنی بر اینکه قتل ناموسی بوده تأثیری در حکم دارد، خاطرنشان کرد: در بحث صدور حکم فقط قاضی می‌تواند حد را مشخص کند که آن هم بر اساس ادله، مدارک ونظریه‌های کارشناسی است. وی ادامه داد: از آنجایی که قاتل خود، ولی دم بوده است، دیگر حکم قصاص اینجا معنایی ندارد. اما حبس

پایان سرقت های خشن ۵ مرد مسلح

گروه حوادث: سارقان مسلح که به عنوان مسافر سوار خودروها شده و دست به سرقت و زورگیری می‌زدند به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه خواهند شد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۶ با شکایت یک راننده تاکسی اینترنتی آغاز شد وی به پلیس گفت: از میدان آزادی به مقصد شهرک گلستان سه مرد جوان را سوار خودروام کردم اما وقتی به مقصد رسیدیم دو مسافری که روی صندلی عقب نشسته بودند ناگهان طنابی به گردن من انداختند و می‌خواستند خفه ام کنند شخصی که جلو نشسته بود هم با چاقو تهدیدم کرد خیلی ترسیده بودم آنها مرا از خودرو بیرون انداختند و پول ها و ماشینم را سرقت کردند.

چند روز بعد از این حادثه جوانی به پلیس گزارش داد که از سوی سه سارق مورد سرقت قرار گرفته است. او گفت: من کنار خیابان منتظر تاکسی بودم و قرار بود به خانه پدرزنم بروم. پیکو پژو ۴۰۵ سفید رنگ مقابل پایم ایستاد و من هم سوار شدم اما چند خیابان بالاتر دو مسافری که داخل خودرو بودند با چاقو و طناب مرا تهدید کردند و چند میلیون پولی که همراهم بود با دو گوشی تلفن همراه و کارت های بانکی ام را با خود بردند.

بدین ترتیب با دریافت شکایت های سرقت از چند مرد دیگر ردیابی ها ادامه یافت و سرانجام متهمان دستگیر شدند. پلیس در بررسی پرونده های دیگر متهمان متوجه شد آنها یک پراید دیگر را نیز به همین شیوه دزدیده اند. با توجه به اینکه در همه سرقت ها دو نفر از پشت طناب به گردن قربانی می انداختند و راننده پراید نیز گفته بود به همین شیوه مورد سرقت قرار گرفته است برای شناسایی احضار شد. او بعد از رویارویی با متهمان یکی از آنها را شناسایی کرد اما گفت افراد دیگری نیز در این سرقت بوده اند. درسته این بانده به نام کامبیز در بازجویی ها گفت: ما به خاطر نیاز مالی و اعتیاد دست به سرقت می زدیم.

چند ماه بعد دو متهم دیگر این پرونده نیز دستگیر شدند و اعتراف کردند به عنوان مسافر همراه کامبیز سوار ماشین پراید شده و با تهدید راننده دست به سرقت زده اند. این در حالی بود که متهمان اعتراف کردند با پراید سرقتی نیز چندین فقره سرقت انجام دادند اما شاکیان شناسایی نشدند.

به این ترتیب پرونده با صدور کیفرخواست برای ۵ متهم تحت عنوان سرقت مسلحانه و جعل اسناد انتظامی از طریق جعل پلاک خودرو برای محاکمه به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. با توجه به ارتکاب سرقت مسلحانه و در خواست شاکي ها مبنی بر اشد مجازات پرونده با کیفرخواست حد به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.

